



## چالش‌ها و خلاءهای شورای امنیت با دیوان کیفری بین‌المللی در قبال ناقضان حقوق بشر در حوزه سلامت

پیمان نریمان زاده سالمی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)  
peyman2241@gmail.com

### چکیده

در بهار سال ۲۰۰۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه ۱۵۹۳ وضعیت موجود در دارفور (سودان) را به دادستان دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع داد و حکم جلب فراملی دیوان کیفری بین‌المللی برای رئیس‌جمهور وقت این کشور چالش‌هایی را به همراه داشته است زیرا بعضی از کشورها از دستورات دیوان امتناع کرده‌اند و نهایتاً عمرالبشیر با یک کودتای نظامی برکنار شد. این پژوهش به چالش‌های همکاری شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی در مبارزه با نقض حقوق بشر دوستانه با تمرکز بر پرونده دارفور سودان پرداخته است. روش تحقیق توصیفی تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای با ابزار فیش‌برداری است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد اصل حاکمیت دولت‌ها همچنان بر روند دادرسی بین‌المللی تأثیرگذار بوده و تا زمانی که همکاری مراجع سیاسی و قضائی بین‌المللی به نحو مطلوب صورت نگیرد، نمی‌توان به پایان بخشیدن به آرمان بی‌کیفرمانی جرائم بین‌المللی نزدیک شد.

**کلیدواژه‌ها:** قضیه دارفور سودان، شورای امنیت، دیوان کیفری بین‌المللی، حکم جلب فراملی، اساسنامه رم



### مقدمه

در درگیری‌های داخلی یا بعضاً بین‌المللی که در جای جای جهان رخ داده است و این درگیری‌ها منجر به جنایاتی شده است همانند یوگسلاوی، رواندا، تیمور شرقی، افغانستان و روهینگیا. شورای امنیت طی قطعنامه‌ای که صادر کرده است، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موقت را به وجود آورده است، تشکیل دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موقت و ویژه در اثر شرایط اوضاع و احوال به وجود آمده متضمن اقدام فوری در واکنش به جنایات ارتكابی بوده و سریع‌ترین مکانیسم رسیدگی به این جنایات طبق فصل هفتم منشور ملل متحد از طریق قطعنامه‌ی شورای امنیت صادر شده است و همین امر سبب شده است که دادگاه‌های دائمی بین‌المللی کیفری تأسیس بشود و همچنین در اساسنامه رم همکاری این دو نهاد ( شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی) قید شده است.

طبق ماده ۱۵ اساسنامه رم جنایاتی که منجر به نقض حقوق بشر دو ستانه می‌شود و این جنایات از قبیل: جنایات جرم نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و جرم تجاوز، مشخص شده است. نقش شورای امنیت با توجه به سازمان ملل متحد، در مبارزه با جرائم بین‌المللی و وجود ارتباط میان تهدید و نقض علیه صلح و عمل تجاوز، در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی مد نظر گرفته شده است. شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی با یک دیگر مرتبط می‌باشند شامل: الف- با توجه به بند ب ماده ۱۳ اساسنامه‌ی رم که به شورای امنیت اختیاراتی داده است که قبیل: شورای امنیت می‌تواند رسیدگی به جرائم بین‌المللی را به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع بدهد و این ارجاعات دارای خصیصه‌های جهانی می‌باشد. ب- در زمانی که تحقیق و تعقیب جرائم بین‌المللی شروع می‌شود، شورای امنیت همکاری بین‌المللی را در میان دولت‌ها و دیوان را می‌تواند تسهیل کند. ج- با توجه به ماده ۱۶ اساسنامه‌ی رم، شورای امنیت می‌تواند شروع یا ادامه‌ی تحقیق را به تأخیر بیندازد. طبق قطعنامه‌ی (VII سازمان ملل متحد).

شورای امنیت که باعث تسهیل شدن همکاری میان دول و دیوان کیفری بین‌المللی شده است و دارای نقش اساسی در اجرای مجازات حبس را دارد، اما این اختیاراتی را که اساسنامه رم به شورای امنیت داده است موجب نقض استقلال دیوان کیفری بین‌المللی می‌شود و مانعی را در اعمال صلاحیت دیوان در جرائم بین‌المللی به وجود می‌آورد اعم از این که زمانی که شورای امنیت تعلیق تحقیق و تعقیب در دیوان را صادر می‌کند و موجب مخدوش شدن استقلال قضایی دیوان می‌شود، اما نامحدود بودن اختیاراتی که اساسنامه به شورا داده است باعث بروز مشکلاتی در تمام صلاحیت‌های دیوان می‌شود و همین امر موجب می‌شود که مانعی بسیار بزرگ و مهمی در عدالت بین‌المللی به وجود بیاید. نمونه این چالش‌ها را می‌توان در قضیه میانمار و بنگلادش در خصوص مسلمانان روهینگیا مشاهده نمود. مطابق اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و برگرفته از اختیارات شورای امنیت در منشور ملل متحد، راه مشارکت این شورا در مبارزه با بی‌کیفری و گسترش عدالت از طریق تعقیب و کیفری جانپان در کشورهای که هنوز با تمسک به قاعده حاکمیت سعی در ایجاد حصار امنیتی برای خود دارند، هموار شده است. رسیدگی به جنایات ارتكابی در سودان که به تاریخ ۳۱ مارس ۲۰۰۵ و طی قطعنامه ۱۵۹۳ در چارچوب فصل هفتم منشور از طریق شورای امنیت به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع گردیده این اقدام بی‌سابقه شورای امنیت که پیرو گزارش کمیسیون بین‌المللی تحقیق در مورد نقض حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و حقوق بشر در دارفور صورت پذیرفت نشان داد که اصل حاکمیت دولت‌ها تابع ضرورت‌های ناشی از حفظ و اعاده صلح و امنیت جهانی و اقتضای دادرسی بین‌المللی می‌باشد. این پرونده نماد نوینی از همکاری دو نهاد سیاسی و قضایی بین‌المللی در مبارزه با بی‌کیفری است، رابطه شورای امنیت سازمان ملل متحد با دیوان کیفری بین‌المللی در زمینه جنایات تجاوز سرزمینی از موضوعات مرتبط با اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی بر جنایت تجاوز سرزمینی، لزوم شناسایی عمل تجاوزکارانه توسط شورای امنیت یا دیوان کیفری بین‌المللی است. دادستان دیوان کیفری بین‌المللی حکم جلب فراملی عمرالبشیر رئیس‌جمهور سودان را صادر کرده بود و کشورهای که عضو و غیر عضو اساسنامه رم بودند از این حکم جلب فراملی عدم تمکین کرده بودند و چالش‌های فراوانی را در این زمینه به وجود آمد.



دولت سودان و حامیان آن در بین کشورهای عربی، آفریقایی و سازمان کنفرانس اسلامی و نیز برخی از اعضای دائم شورای امنیت، ضمن اعتراض به صدور حکم جلب، آن را از نظر زمانی نامناسب و مغایر با منافع صلح و امنیت بین‌المللی دانسته، تعلیق رسیدگی به پرونده عمرالب شیر را بر اساس ماده ۱۶ سا سنانه رم از دیوان درخواست کردند. با ارجاع و وضعیت دارفور سودان مواد ۵۳ و ۵۴ اساسنامه وارد رسیدگی شد. وضعیت دارفور سودان اولین موردی است که توسط شورای امنیت به دیوان ارجاع شده است. به همین دلیل همکاری این دو نهاد چالش‌هایی را به وجود می‌آورد و این که همکاری شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی در مبارزه با نقض حقوق بشر دوستانه چگونه می‌باشد و چه همکاری‌هایی را می‌توانند با یک دیگر انجام بدهند. در این پژوهش تلاش خواهیم کرد تا به این پرسش مطروحه پاسخ دهیم.

### ۱. نقش شورای امنیت در دیوان بین‌المللی کیفری

ارتباط شورای امنیت در تحقق عدالت کیفری بین‌المللی از رابطه عمیق بین عدالت و صلح حکایت دارد. از آنجایی که جنایات تحت صلاحیت دیوان اصولاً در وضعیت‌هایی رخ می‌دهد که متضمن تهدید بر صلح یا عمل تجاوزکارانه است و از این جهت با اختیار شورای امنیت نسبت به حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی مرتبط می‌گردد، نقش شورای امنیت در تحقق عدالت کیفری بین‌المللی امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. با توجه به نقش شورای امنیت، در مبارزه با جرائم بین‌المللی و وجود ارتباط میان تهدید علیه صلح، نقض صلح و عمل تجاوز، شورا و دیوان، در این موارد با هم مرتبط هستند: ۱. طبق بند (ب) ماده ۱۳ اساسنامه دیوان، شورای امنیت می‌تواند رسیدگی به جرائم بین‌المللی را به دیوان ارجاع دهد، چنین ارجاعی دارای خصیصه جهانی است. ۲- در مرحله تحقیق و تعقیب جرائم بین‌المللی، الف- شورا می‌تواند همکاری بین‌المللی میان دولت‌ها و دیوان را تسهیل نماید. ب- شورا می‌تواند شروع یا ادامه یک تعقیب و تحقیق را در دیوان، به موجب فصل هفتم منشور به تأخیر اندازد (ماده ۱۶ اساسنامه دیوان). ۳- شورای امنیت با تسهیل همکاری بین‌المللی معاضدت قضایی، بین دولت‌ها و دیوان نقش اساسی در اجرای مجازات حبس دارد. ۴- اعمال صلاحیت دیوان نسبت به جرم تجاوز، می‌تواند مسبوق به احراز عمل تجاوز از سوی شورای امنیت باشد. (براتی، ۱۳۸۲)

### ۲. نحوه ورود شورای امنیت به موضوع سودان

محرک‌های زیادی پشت حمایت اعضای شورا از ارجاع پرونده‌ها به دیوان وجود دارد. به عنوان مثال آن دسته از اعضا شورا که عضو منشور رم نیز هستند ممکن است به دلایلی مانند تعهدات در مورد مسئولیت بین‌المللی در چارچوب منشور رم و تأسیس دفتری در دیوان برای ثبت دعاوی در پرونده‌های جدی علاقه به ارجاع قضیه به دیوان داشته باشد. پس از ارجاع موضوعات به دیوان قضایی دارفور و لیبی المان‌های کلیدی مشترک دارند. اما نباید غافل شد که این قضایا از جهات مختلفی نیز با هم متفاوتند. قطعنامه ۱۵۹۳ در پاسخ گزارشی که کمیسیون بین‌المللی تحقیق در سال ۲۰۰۵ در مورد قضیه دارفور به دبیرکل ارائه شده بود صادر گشت و به طور خاص متمرکز بر ارجاع و وضعیت به دیوان بود. تمامی بخش‌های این قطعنامه به مسئله ارجاع به دیوان پرداخته‌اند و سعی در جلب توجه به خشونت‌های رخ داده در دارفور و محکومیت نداشتند. درحقیقت، این خشونت‌ها در قسمت‌های معدودی نظر کمیسیون را به خود جلب کرده بود. اما بر خلاف آن، قطعنامه ۱۹۷۰ که در تاریخ ۲۰۱۱ تصویب گردید، شورای امنیت بر علیه قذافی سخن پردازی کرده و اظهار نگرانی شدیدی نسبت به وضعیت غیرنظامیان در لیبی و خشونت‌های ژریم قذافی نموده است و در ضمن درخواست توقف سریع خشونت‌ها از دولت خواسته است که به توقعات مشروع مردم لیبی احترام بگذارد. این قطعنامه نه تنها وضعیت را به دیوان ارجاع داد بلکه حاوی تحریم‌های نظامی، منطقه‌ای پرواز ممنوع و توقف دارایی‌های کشورهای لیبی نیز بود. (جناب زاده، ۱۳۹۷)

وضعیت سودان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است و تحت فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، تصمیم گرفت تا اوضاع دارفور سودان را از اول ژوئیه ۲۰۰۲ به دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی ارجاع دهد. و وضعیت دارفور را مطابق با ماده ۱۳ (ب) اساسنامه رم ارجاع داد.



شورا در خصوص دارفور سودان، ابتدا کمیسیون تحقیقی تشکیل داد و سپس آن را به دیوان ارجاع داد. اطلاعات به دست آمده تو سبب کمیسیون تحقیق سودان، امر تحقیق دیوان را تسهیل می‌نماید. علاوه بر این در جمع آوری اطلاعات تو سبب دیوان یا تحقیق از شهود و متهمین و قربانیان، چنان چه دولتی از همکاری با دیوان، ق صور نماید، شورای امنیت، به ویژه در جایی که خود ارجاع دهنده وضعیت باشد، می‌تواند کمک موثری به دیوان بنماید. (رهگشا، ۱۳۹۳)

**۱-۲. قطعنامه ۱۵۹۳**

قطعنامه ۱۵۹۳ شدیدترین اقدام شورای امنیت علیه سودان به شمار می‌رود. در این قطعنامه مقرر شد، پرونده ۵۱ تن از افراد مظنون به ارتکاب جنایات جنگی در ایالت دارفور به دیوان کیفری بین‌المللی در لاهه ارجاع شود. این قطعنامه به شدت با مخالفت دولت سودان مواجه شد و رئیس‌جمهور این کشور ق سبب یاد کرد که متهمان مورد ادعای شورای امنیت را به دیوان کیفری بین‌المللی تحویل نخواهد داد. (رهگشا، ۱۳۹۳)

شورای امنیت با صدور قطعنامه ۱۵۹۳ در ۳۱ مارس ۲۰۰۵، با استناد به فصل هفتم منشور و مطابق بند (ب) ماده ۱۳ ا سا سنانه، و وضعیت دارفور را به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع نمود. شورای امنیت، تو سل به دیوان کیفری بین‌المللی را به عنوان ابزاری جهت اعاده صلح و امنیت بین‌المللی در سودان قلمداد نموده است. بند (ب) ماده ۱۳ ا سا سنانه این امکان را به شورای امنیت داده است و فصل ۷ منشور ملل متحد نیز دست شورا را باز گذاشته است. با توجه به عدم تصویب ا سا سنانه تو سبب دیوان، ارجاع و وضعیت به و سیله شورای امنیت، با تو سل به فصل ۷ منشور صورت گرفته است. این ارجاع، به دنبال گزارش کمیسیون تحقیق در مورد سودان صورت گرفت که وقوع جنایات بین‌المللی در سودان تأیید نمود. در واقع از نظر کمیسیون، نظام قضایی سودان کارایی لازم برای تعقیب، محاکمه و مجازات متهمان جنایات ارتكابی در دارفور را نداشته است. (رهگشا، ۱۳۹۳)

**۲-۲. قطعنامه ۱۹۷۰**

در ۲۶ فوریه ۲۰۱۱ شورای امنیت طی قطعنامه شماره ۱۹۷۰ وضعیت ایجاد شده در لیبی را جهت رسیدگی به دادستان دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع نمود. این ارجاع به دنبال بحران به وجود آمده در لیبی صورت گرفت که نیروهای تحت امر معمر قذافی رئیس‌جمهور آن کشور و به دستور ایشان شهروندان لیبی را که برای سرنگونی حکومت قذافی اقدام کرده بودند مورد کشتار و شکنجه و تجاوز قرار دادند. با توجه به عدم عضویت لیبی در ا سا سنانه دیوان، این ارجاع تو سبب شورای امنیت و با استناد فصل ۷ منشور ملل متحد و به عنوان اقدامی در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی صورت گرفته است. شورای امنیت در ۲۶ فوریه ۲۰۱۱ طی قطعنامه و با استناد ماده ۴۱ فصل ۷ منشور ملل متحد وضعیت لیبی را جهت رسیدگی به دیوان ارجاع نمود. در این قطعنامه قید شده که این ارجاع با در نظر گرفتن حاکمیت، استقلال، تمامیت سرزمین و اتحاد جماهیر عربی لیبی صورت می‌گیرد. به موجب این قطعنامه وضعیت لیبی از ۱۵ فوریه ۲۰۱۱ به دادستان دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع شده است. در این قطعنامه دولت لیبی و دیگر کشورها مکلف به همکاری کامل با دادستان و دیوان شده‌اند. هر چند لیبی عضو ا سا سنانه رم نیست اما با توجه به عضویت لیبی در سازمان ملل متحد و مطابق ماده ۲۵ منشور ملل متحد ملزم به اجرای تصمیمات شورای امنیت است. (رهگشا، ۱۳۹۳)

**۳. چالش‌های شورای امنیت در قبال پرونده سودان و همکاری با دیوان کیفری**

در این قسمت به بررسی چالش‌هایی خواهیم پرداخت که شورای امنیت برای بررسی پرونده سودان برای همکاری با دیوان کیفری داشته است.

**۱-۳. چالش‌های عملکردی یا سیاسی**

بحران سودان را می‌توان یکی از بزرگ‌ترین فاجعه‌های بشردوستانه در جهان نامید. شورای امنیت سازمان ملل در مقام حفظ صلح و امنیت بین‌المللی با صدور قطعنامه‌های متعددی در کامیابی یا ناکامی این ماموریت‌ها نقشی اساسی ایفا می‌کند. منشور



سازمان ملل متحد بر اساس بند ۱ ماده ۲۴ مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار نموده است. شورای امنیت در انجام این مسئولیت خطیر می‌تواند بر اساس فصول ۶، ۷ و ۸ منشور به طیف وسیعی از اقدامات، از جمله استقرار عملیات صلح بانی مبادرت ورزد. عملیات حفظ صلح سازمان ملل به طور سنتی، با فصل ششم منشور در ارتباط است. (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۵)

یکی از آثار و تبعات منفی بروز سوء تفاهم بین دول آفریقایی و دیوان کیفری بین‌المللی، عدم همکاری با دیوان مذکور به علت عدم اعتماد به آن دیوان است. طبق ماده ۸۶ اساسنامه، انجام تحقیق و تعقیب جرایمی که تحت صلاحیت دیوان است، با همکاری دولت‌ها میسر است، زیرا همه‌ی اقدام‌های قضایی شامل مراحل اولیه و مربوط به رسیدگی کیفری بین‌المللی تحقیق، تعقیب تا جمع‌آوری دلایل و اجرای حکم و جز آن در محاکم کیفری بین‌المللی، نیازمند کمک و همکاری دولت‌هاست. یکی از مصادیق عدم همکاری دول با دیوان کیفری بین‌المللی، مربوط به قضیه‌ی عمرالبشیر، رئیس‌جمهور سودان، می‌شود. علی‌رغم صدور قرار جلب دیوان علیه عمرالبشیر، وی به کشورهای مختلف آفریقایی سفر کرد و این کشورها از اجرای تعهداتی که به موجب اساسنامه‌ی دیوان در خصوص همکاری با دیوان بر عهده دارند سر باز زدند. (رضانی قوام آبادی، بهمنی، ۱۳۹۶)

دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان یک نهاد مستقل بین‌المللی، با سازمان ملل متحد مرتبط است، ماده‌ی ۱۲ اساسنامه دیوان اشعار می‌دارد: «دیوان با سازمان ملل متحد به موجب توافقنامه‌ای که باید به تصویب مجمع دولت‌های عضو اساسنامه و سپس به امضای رئیس دیوان از طرف مجمع برسد، رابطه برقرار خواهد کرد». (براتی، ۱۳۸۲). تأسیس دیوان کیفری، مقبول اکثر کشورها بود، زیرا تا قبل از آن برای مجازات اشخاصی که مقررات و قوانین بین‌المللی را نقض می‌کردند سازوکار خاصی وجود نداشت.

در هر حال نباید فراموش کرد که اساسنامه‌ی دیوان راه توسل به شیوه‌های غیرحقوقی و تعلیق و توقف رسیدگی در پرونده‌های ارجاعی از طرف شورای امنیت به دیوان را باز گذاشته است. البته، توقف در این جا به معنای خروج پرونده از دستور کار دیوان به تقاضای شورای امنیت نیست، زیرا اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی درباره‌ی توقف دائمی در رسیدگی به پرونده‌هایی که خود شورای امنیت به دیوان ارجاع کرده، حکم صریحی پیش بینی نکرده است. به نظر می‌رسد بعد از ارجاع، دیوان از استقلال قضایی کاملی برخوردار است و هیچ چیز و هیچ کس نمی‌تواند مانع رسیدگی و صدور حکم در چنین پرونده‌ای باشد. (رضانی قوام آبادی، بهمنی، ۱۳۹۶)

عمده‌ی اعضای دیوان کیفری بین‌المللی کشورهای آفریقایی است، رفع و مدیریت بحران‌ها و درگیری‌های ممتد و مکرر در این قاره نیازمند کمک بین‌المللی است. از طرف دیگر تداوم حیات و توفیق دادگاه بین‌المللی کیفری نیازمند این می‌باشد که این دادگاه بتواند به اتهام‌گزینشی عمل کردن، به نحو قانع‌کننده‌ای پاسخ دهد و در برابر انتقادهای آفریقا انعطاف منطقی داشته باشد. اوین ویژگی مهم هر نهاد قضایی، استقلال رأی آن می‌باشد. بدون استقلال قضایی، نهاد قضایی، مرجع بی‌طرفی نخواهد بود و در نتیجه مورد اعتماد و اطمینان مراجعین و جامعه نخواهد بود.

این همه تأکید بر استقلال دیوان کیفری بین‌المللی، موبد این امر است، که هیچ نهادی چه داخلی چه بی‌المللی، از جمله سازمان ملل متحد یا شورای امنیت نباید به اهرم فشاری بر دیوان کیفری بین‌المللی تبدیل گردد. (رهگشا، ۱۳۹۳)

اما هنوز چالش‌های مهمی پیش روی دیوان وجود دارد. از جمله‌ی چالش‌های مذکور می‌توان به این موارد اشاره کرد: دشواری‌های موجود در تحقیقات در قضایای مختلف، لزوم برگزاری جلسات محاکمه‌ی عادلانه تا حد امکان، تأمین سرمایه برای اجرای عملیات‌های طراحی شده، حفاظت از شاهدان و جلب همکاری آن‌ها، ایجاد رابطه در جوامع مختلف، ایجاد استراتژی‌هایی برای به اجرا درآوردن احکام دستگیری مجرمین و معرفی شدن در جامعه‌ی بین‌المللی به عنوان یک نهاد قضائی مستقل و مؤثر. دیوان هم‌چنین دچار چالش مورد نقد قرار گرفتن به دلیل «انتخاب‌گرایی» خود و شورا است. شورا می‌تواند به دیوان در پاسخگویی به این چالش‌ها از طرق سیاسی، دیپلماتیک و منطقی کمک کند به گونه‌ای که نقش خود شورا در حفظ صلح و



امنیت بین‌المللی به پیش رود. شورای امنیت در موارد متعددی از قدرتی که بر اساس فصل هفتم منشور به آن داده شده استفاده کرده است تا مسئولیت ناشی از نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشر و بشردوستانه را متوجه مرتکبان این نقض‌ها کند. منشور رم هم‌چنین بیان می‌دارد که اعضای اساسنامه‌ی دیوان حق عضویت نمی‌پردازند که شورا بر اساس بخش دوم ماده‌ی ۱۳ پرونده‌ها را به دیوان احاله دهد. ماده‌ی ۱۱۵ این منشور اشاره می‌کند که هزینه‌های دیوان فقط توسط اعضا تأمین نخواهند شد بلکه سازمان ملل با تأیید مجمع عمومی این سازمان - مخصوصاً در مواردی که هزینه‌های ایجاد شده به دلیل ارجاع پرونده به دیوان توسط شورای امنیت بوده‌اند - به تأمین این مخارج خواهد پرداخت. ماده‌ی ۱۱۵ از ایجاد مجدد تا امیدی حاصله در نتیجه‌ی شکست شورای امنیت در تأمین سرمایه‌ی مورد نیاز در قضایای سودان و لیبی (به و سیله‌ی سازمان ملل) پیشگیری کرده است. با وجود این چارچوب قانونی، روابط میان شورا و دیوان هنوز نوپا به نظر می‌رسد. هنوز هیچ ساختار رسمی برای برقراری تعامل حرفه‌ای و جامع میان این دو نهاد وجود ندارد. نحوه‌ی حمایت شورا از دیوان مبین این حقیقت است که به جز یک یا دو استثنا، شور هرگز حمایت مستحکم و جامعی از دیوان به عمل نیآورده است. مخصوصاً در مواردی که قضیه را خود شورا به دیوان محول کرده باشد. علاوه بر این، برای عده‌ای ناراحت‌کننده است که شورا ضوابطی که بر اساس آن مشخص می‌کند تهدید وارد شده به صلح و امنیت بین‌المللی باید به دیوان ارجاع شوند یا خیر را تدوین نکرده است. بر این اساس شورا نهادی سیاسی به شمار می‌رود که علاقه‌ای به تدوین قواعد حقوقی برای هدایت تصمیماتش ندارد. متأسفانه، وقتی دیده می‌شود که ملاحظات سیاسی بیشتر از ملاحظات بشردوستانه در ارجاع پرونده‌ها به دیوان تأثیر دارند، هم دیوان و هم نهاد مورد نقد قرار می‌گیرند. شورا برای حمایت از اعضای متحدش و دیوان به دلیل در دسترس نبودن در شرایطی که بیشتر به تحقیق و رسیدگی نیاز است. (جناب زاده، ۱۳۹۷)

یکی از بحث برانگیزترین موضوعات در جریان کنفرانس بازنگری کامپالا موضوع صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز و نقش شورای امنیت در این خصوص بود که رسیدن به توافق را در جریان کنفرانس بازنگری کامپالا صلاحیت دیوان نسبت به جنایت تجاوز در مقایسه با رژیم صلاحیتی جاری در مورد دیگر جنایات با محدودیت‌های مواجه شد. در خصوص نسل‌زدایی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی، دیوان نسبت به جنایات ارتكابی توسط اتباع دولت‌های طرف اساسنامه، جنایات ارتكابی در قلمرو و نیز در کشتی یا هواپیمایی ثبت شده توسط دولت‌های طرف اساسنامه صلاحیت دارد. چالشی‌ترین بحث در حوزه‌ی صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، نقشی است که شورای امنیت به عنوان یک ارگان سیاسی-مصلحتی در این خصوص بازی می‌کند. مواد مربوط به رابطه‌ی شورای امنیت و دیوان در خصوص جنایت تجاوز؛ ماحصل تعدیل دیدگاه‌های متنوع و تا حدودی ضد و نقیضی بود که از سال‌های قبل از تدوین اساسنامه‌ی رم وجود داشت. (نژندی منش، حاجی پور، ۱۳۹۹)

طبق بندهای (الف) تا (ج) ماده ۵۳ (۱) اساسنامه‌ی رم، دادستان، فارغ از طریقه ارجاع یک وضعیت، متعهد به انجام بررسی‌های مقدماتی است. اگر وضعیت مورد نظر، بنا بر تشخیص دادستان، این شرایط را نداشته باشد، مبنای منطقی برای اقدام دیوان وجود ندارد. این فرض را که بر اساس آن، دول عضو سازمان ملل که هم‌زمان عضو دیوان کیفری بین‌المللی نیز هستند، طبق ماده ۲۵ منشور ملل متحد، ملزم به تبعیت از قطعنامه‌های الزام‌آور شورای امنیت هستند نمی‌توان پذیرفت. سازمان بین‌المللی همچون دیوان، شخصیتی جداگانه از اعضای خویش دارد. طبق ماده مزبور، قطعنامه‌های الزام‌آور و شورا تنها برای دول عضو، تعهدات الزام‌آوری ایجاد می‌کند و نه برای سازمان‌های بین‌المللی متشکل از این دول عضو، نفوذ زیادی در سازمان داشته باشند. بررسی قضایی دیوان، صرفاً یک نوع نظارت بر مشروعیت اقدام شورای امنیت محسوب می‌شود و نباید به مناسب بودن یا مؤثر بودن قطعنامه سازمان ملل متحد، جهت حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی مربوط باشد. (موسوی، بذار، ۱۳۹۵) سه ماده در منشور سازمان ملل متحد وجود دارد که جایگاه ویژه‌ای به تصمیمات شورای امنیت می‌بخشند. طبق ماده ۲۵ منشور، دولت‌های عضو سازمان ملل، تعهد می‌کنند که تصمیمات شورای امنیت را قبول و احراز کنند. طبق ماده ۱۰۳ منشور، تعهدات دول عضو که از منشور ناشی می‌شود (در این جا منظور تصمیمات شورای امنیت است)، بر سایر تعهدات بین‌المللی آن دولت‌ها اولویت دارد و سرانجام بر اساس بند ۶ ماده ۲ منشور، تصمیمات سازمان ملل که در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی



اتخاذ می‌شود، حتی برای دول غیر عضو لازم الاجراست و شورای امنیت، مسئول اصلی حفظ صلح و امنیت در جامعه بین‌المللی است. (موسوی، بذار، ۱۳۹۵)

با پایان جنگ جهانی دوم، اساسنامه‌ی دادگاه نورمبرگ با بیان این که «جرائم علیه حقوق بین‌الملل به وسیله‌ی افراد، و نه موجودیت‌های انتزاعی ارتکاب می‌باید و تنها با مجازات افرادی که مرتکب چنین جرائمی شده‌اند مقررات حقوق بین‌الملل قابل اجرا می‌باشد»، گام مثبتی برای تبدیل مصونیت مسئولیت برداشت. ماده‌ی ۲۷ اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی نیز یکی از آخرین اقدامات برای حذف این مانع در برابر مسئولیت کیفری مقامات رسمی مرتکب جنایات بین‌المللی بود. این گام فی نفسه بسیار ارزشمند و شجاعانه است، اما پیچیدگی و چالش آن از جایی آغاز می‌شود که بدانیم ماده‌ی ۲۷ صرفاً ناظر و حاکم بر دولت‌های عضو اساسنامه است نه دولت‌های غیر عضو، حتی اگر ارجاع از سوی شورای امنیت بوده باشد. رویه‌ی دیوان حاکی از آن است که ماده‌ی ۲۷ را به تمامی دول عضو و غیر عضو تسری داده است. موضوع مصونیت مستندتر و البته جزئی‌تر و با تکیه بر حکومت قانون بررسی شود، زیرا دیوان کیفری بین‌المللی باید با اتکا به حکومت قانون به مبارزه با بی‌کیفری گام بگذارد و هر گونه مبارزه‌ای و به هر شکل از دیوان پذیرفته نیست. حتی اگر به دنبال هدفی متعالی مانند محو بی‌کیفری و اجرای عدالت باشد. (عبدالملکی و همکاران، ۱۳۹۸)

ماده‌ی ۲۷ اساسنامه‌ی رم نقش مستقیم و تأثیر گذاری در محو بی‌کیفری که مانع اساسی برای به دست آوردن به عدالت کیفری بین‌المللی است. و این ماده دیوان را ملزم می‌کند فارغ از هر نوع تبعیضی به جنایات بین‌المللی که تحت صلاحیت دیوان رسیدگی می‌شود و مرتکب را با هر سمت رسمی که دارا می‌باشد، به کیفر می‌رساند. بند ۱ ماده‌ی ۲۷ اساسنامه‌ی رم: «به موجب آن حتی کسانی که از موقعیت رسمی خویش و قدرت ناشی از آن سوء استفاده می‌کنند، نمی‌توانند از آن موقعیت برای کسب مصونیت از جرائم ارتکاب یافته در حال اجرای کارکردهای عمومی بهره‌مند شوند. بنابراین طبق بند ۱ ماده‌ی ۲۷ اساسنامه‌ی رم، دیوان کیفری بین‌المللی بدون پذیرش مصونیت افراد به دنبال این می‌باشد که بی‌کیفری را در تمام جهان به پایان برساند و از جنایاتی که توسط مقامات رسمی اتفاق می‌افتد را جلوگیری و پیشگیری کند. و بند ۱ ماده‌ی ۲۷، یک قاعده‌ی عرفی بین‌المللی نمی‌باشد.

بند ۲ ماده‌ی ۲۷ اساسنامه‌ی رم: «مصونیت‌ها یا قواعد شکلی ویژه‌ای که به موجب حقوق داخلی یا حقوق بین‌الملل در مورد مقامات رسمی اجرا می‌شوند موجب نمی‌گردند که دیوان نتواند صلاحیتش را نسبت به آن اشخاص اعمال نماید.» در این بند در مورد دولت‌های عضو دیوان کیفری بین‌المللی و مقامات رسمی آن‌ها مشکلی ایجاد نخواهد شد بلکه بحث چالش برانگیز در مورد کشورهای غیر عضو هستند.

برخی معتقدند دیوان از سه طریق می‌تواند اتباع دولت‌های غیر عضو را تحت تعقیب قرار دهد؛ نخست: با ارجاع شورای امنیت؛ دوم حضور تبعه‌ی دولت غیر عضو در یک خاک یک دولت عضو و سوم با اعلام رضایت دولت غیر عضو اساسنامه. (عبدالملکی و همکاران، ۱۳۹۸)

اتحادیه‌ی آفریقا در ۱۲ اکتبر سال ۲۰۱۳ جلسه‌ای به منظور تنظیم روابط با دیوان برگزار شد مقرر داشت: «به منظور پاسداری از نظم، ثبات و یکپارچگی دولت‌های عضو، هیچ اتهامی نزد هیچ دیوان یا دادگاه بین‌المللی علیه فردی که به عنوان رئیس دولت اتحادیه‌ی آفریقا خدمت می‌کند مطرح نخواهد شد یا ادامه پیدا نخواهد کرد یا هیچ کس در زمان تصدی مقام رسمی موضوع چنین اقدامی قرار نخواهد گرفت».

این امر تعهدی را به وجود آورد که براساس آن عمرالبشیر در کشورهای کنگو، جیبوتی، چاد، کنیا و مالاوی است، آن کشورها ملزم به اجرای بازداشت و تحویل وی (عمرالبشیر) به دیوان کیفری بین‌المللی نیستند. اتحادیه‌ی آفریقا از ابتدا، در مخالفت با حکم دستگیری عمرالبشیر اعلام کرد که رویکرد دیوان کیفری بدون توجه به تلاش‌هایی است که برای رسیدن به قطعنامه‌هایی است که برای رسیدن به قطعنامه‌ی پایان درگیری‌های دارفور و تحقق صلح پایدار در این منطقه در حال انجام است. دادستان دیوان کیفری بین‌المللی در ارتباط منظم و مستقیم با دولت‌های عضو دیوان کیفری است. لیکن او نتوانسته است از قدرت



سیاسی و حقوقی خود به روش‌های مؤثر و عملی برای حل سیاسی درگیری‌های دارفور بهره برداری کند اما دادستان دیوان کیفری، مقام سیاسی نیست. او مکلف به تعقیب و وضعیت‌های مجرمانه منصرف از شرایط سیاسی آن‌ها یا منطقه آن‌هاست. از این وضعیت به ناتوانی دیوان کیفری در تعقیب جرائم بین‌المللی تعبیر می‌شود. ناتوانی دیوان کیفری در محاکمه‌ی مظنونان به جرائم بین‌المللی به تضعیف جایگاه وی منجر شده است. اما این ناتوانی ناشی از تأثیر و تأثرهای عملکرد شعبه مقدماتی بر حقوق بین‌الملل کیفری و بر عکس است. صدور کیفرخواست از سوی دیوان کیفری به پشتوانه‌ی شورای امنیت سازمان ملل متحد در تحقق عدالت کیفری در عرصه‌ی بین‌المللی بی‌تأثیر است. (صالحی، ۱۳۹۹)

الزام ناشی از عضویت در اتحادیه‌ی آفریقا مانع از تبعیت از الزامات شورای امنیت و دیوان کیفری نیست. تمام دولت‌ها در سازمان ملل متحد عضو بوده و بدین ترتیب ملزم به اولویت بخشی و تبعیت از مصوبات آن نسبت به سایر تعهدات هستند. اما دولت‌های غیر عضو اساسنامه مخاطب آموزه‌های حقوق بین‌الملل عرفی و رعایت مصونیت‌های مصرح در آن‌اند. (صالحی، ۱۳۹۹) دیوان کیفری براساس معاهده‌ی مورد وفاق دولت‌های عضو آن و برپایه‌ی مشارکت بین‌المللی آن‌ها در مبارزه با بی‌کیفر مانی جرائم شدید بین‌المللی تأسیس شده است. دیوان کیفری بدون همکاری دولت‌های عضو با موفقیت چندانی مواجه نیست. شعبه مقدماتی قائل به مرتفع شدن مصونیت عمرالبشیر منطبق با آموزه‌های حقوق بین‌الملل عرفی است، لیکن مشخص نمی‌کند با چه استدلالی قائل به از کار افتادن مقررات حقوق بین‌الملل عرفی در دیوان کیفری است. این وضعیت مستمسک اتحادیه‌ی آفریقا و دولت‌های عضو وی در عدم همکاری با دیوان کیفری شده است. عضویت در اساسنامه مجوزی برای کنار زدن الزامات ناشی از مقررات حقوق بین‌الملل عرفی، برخلاف مقررات ماده‌ی ۲۷ اساسنامه است. اگر دولتی به اراده‌ی خود با عضویت در اساسنامه خواسته است که مصونیت مقرر در حقوق بین‌الملل عرفی را در مقابل دیوان کیفری از دست بدهد و دولت دیگر با انصراف از به عضویت در آمدن در اساسنامه، نخواسته است چنین مزایایی را در مقابل دیوان کیفری از دست بدهد. (صالحی، ۱۳۹۹)

شعبه مقدماتی در حکم دستگیری عمرالبشیر، زمینه‌ی همکاری دولت را برای دستگیری و تحویل عمرالبشیر به ترتیب اولویت؛ ۱- مقامات ذی صلاح دولت سودان، ۲- کلیه دولت‌های عضو اساسنامه ۳- کلیه اعضای شورای امنیت سازمان ملل غیر عضو اساسنامه ۴- سایر دولت‌ها فراهم کرده است. این اقدام باعث شده است که چالش‌هایی در ارتباط با جایگاه عمرالبشیر و دیوان کیفری بین‌المللی ایجاد بشود. مصونیت عمرالبشیر به خاطر تصدی ریاست دولت در کشوری که اساسنامه‌ی دیوان را تصویب نکرده است، تا چه حد از او در مقابل صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی حمایت می‌کند یا این که دولت را از دستگیری و تحویل وی به دیوان باز می‌دارد. (مولایی، صالحی، ۱۳۹۵)

دیوان بین‌المللی در اعمال صلاحیت خود، نیازمند حمایت و مساعدت دولت‌ها هستند. دیوان یک نهاد فرا دولتی و خود مختاری است و دارای شخصیت حقوقی مستقل می‌باشد و از آن اختیار برخوردار می‌باشد که از دولت‌های عضو درخواست همکاری می‌کند به دلیل این که فاقد نیروی پلیس مخصوص به خود می‌باشد به ناچار از دولت‌ها برای انجام مسئولیت‌های خودش، از دولت‌ها یاری می‌گیرد.

ماده ۸۶ اساسنامه‌ی رم مقرر کرده است: «دولت‌های عضو مطابق مقررات این اساسنامه باید در انجام تحقیق و تعقیب جرائمی که در صلاحیت دیوان قرار دارد، به طور کامل همکاری نمایند». (ماده ۸۶ اساسنامه رم)

ماده ۸۸ اساسنامه‌ی رم مقرر کرده است: «دولت‌های عضو باید اطمینان حاصل نمایند که در قوانین ملی خود، آیین‌های مناسب برای تحقق کلیه اشکال همکاری مصرح در این بخش پیش بینی شده باشد». (ماده ۸۸ اساسنامه رم) تعهد به همکاری کامل با دیوان کیفری بین‌المللی به صورت واضح و صریح در مقررات اساسنامه‌ی دیوان ذکر شده است و به همین علت دیوان نمی‌تواند فراتر از آن چه که در اساسنامه مقرر شده است از دول همکاری بخواهد.

علاوه بر اساسنامه، در قطعنامه‌های صادره مجمع دول عضو دیوان نیز به موضوع همکاری توجه شده است. در یکی از قطعنامه‌های این رکن دیوان مقرر شده است: «همکاری مؤثر به عنوان یک ضرورت برای دیوان در انجام فعالیت‌هایش باقی





می‌ماند». هم چنین دول عضو تشویق می شوند که به حمایت سیاسی و دیپلماتیک خود از دیوان و همکاری با این نهاد ادامه دهند. مجمع در قطعنامه دیگر خود در ۲۰ دسامبر ۲۰۱۱ اشاره می‌کند: «همکاری با دیوان از سوی دول عضو و دیگر دولت‌ها، توانایی دیوان را برای پاسخگویی سریع به درخواست‌ها از دیوان ارتقا خواهد داد». قطعنامه نوامبر سال ۲۰۱۲ مجمع نیز بیان می‌دارد: «اهمیت همکاری و مساعدت مؤثر و به موقع از سوی دول عضو و دیگر دولت‌ها به موجب تعهد یا تشویق به همکاری با دیوان طبق بخش ۹ اساسنامه یا یک قطعنامه شورای امنیت مورد تاکید است، به گونه‌ای که قصور در فراهم ساختن چنین همکاری در چارچوب رسیدگی‌های قضایی، بر کارآمدی دیوان اثر می‌گذارد. عدم اجرای درخواست‌های دیوان می‌تواند بر توانایی دیوان در اجرای قطعنامه‌هایش تأثیر منفی گذارد، به ویژه زمانی که آن قطعنامه در خصوص بازداشت و تحویل اشخاص موضوع قرارهای بازداشت است. (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷) قطعنامه‌ی شورای امنیت و صرف ارجاع وضعیت دارفور به دیوان کیفری این الزام را به وجود آورده است که دولت‌ها بدون توجه به تعهدات بین‌المللی دیگر خود به دستگیری و تحویل عمرالبشیر اقدام کنند. لذا با توجه به این چالش‌ها به نظر می‌رسد از این حیث، موضوع مصونیت عمرالبشیر در مثلث سه رژیم حقوقی؛ ۱- دیوان کیفری به عنوان دادگاه مبتنی بر معاهده، ۲- شورای امنیت به عنوان رکن سیاسی و قدرتمند و ۳- حقوق بین‌الملل عرفی به عنوان چارچوب حقوق عام قرار گرفته است. (مولایی، صالحی، ۱۳۹۵) در کنفرانس بازنگری ۲۰۱۰ کامپالا، دولت‌های متعاقد اساسنامه‌ی رم در خصوص تعریف جنایت تجاوز و نحوه‌ی اعمال صلاحیت دیوان به توافق رسیدند. ارتباط شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی از اهمیت خاصی برخوردار است چون شورای امنیت به موجب فصل پنجم و هفتم منشور ملل متحد، مسئولیت حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی را به عهده دارد و برای انجام رسالت خود مجاز به توسل به زور است و حمایت این شورا از دیوان می‌تواند قدرت دیوان را تقویت کند. (سلیمی، ۱۳۹۳) مطابق ماده ۱۲ اساسنامه‌ی رم، متعاقد بودن یا نبودن دولت ذی ربط، تاثیری در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند نسبت به دول غیر متعاقد نیز اعمال صلاحیت کند.

شورای امنیت زمانی که پرونده‌ی دارفور را به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع داد، واکنش‌های تندی در شورای امنیت در مورد متهم کردن عمرالبشیر از طرف دیوان بود که به موجب این اختلافات، چالش‌هایی در مجمع عمومی به وجود آمد به گونه‌ای که کشورهایی که عضو اتحادیه‌ی آفریقایی بودند اعتراض خود را نسبت به صدور حکم جلب فراملی رئیس‌جمهور سودان اعلام کردند. این حکم جلب از سوی دیوان کیفری بین‌المللی، امکان صلح و برقراری نظم و ثبات را در سودان را از بین می‌برد و آن کشورها از شورای امنیت درخواست کردند که این حکم جلب را معلق و تعلیق کند و دولت سودان هم متعهد بشود که صلح و نظم و ثبات امنیتی را در کشورش تضمین بدهد و صلح بانی را تأمین کند.

دستور شورای امنیت برای تعلیق تحقیقی که در حال رسیدگی می‌باشد، این دستور شورای امنیت مغایر با اصول حقوقی است و این غیر اصولی بودن کار شورای امنیت در آینده منجر به ناکار آمدی دیوان کیفری بین‌المللی می‌باشد. اعضای دائم شورای امنیت خواهان رفع نگرانی خود در خصوص جنایت تجاوز شدند که ممکن است اساسنامه‌ی دیوان برای اصلاح منشور مورد استفاده قرار بگیرد و بدین وسیله به صلاحیت شورای امنیت در تشخیص تحقق تجاوز، خدشه وارد شود. در هر حال، اصلاحیه کامپالا، دولتی بودن جنایت تجاوز را با این عبارات بیان کرده‌اند: «۱- در چارچوب این اساسنامه، «جنایت تجاوز» یعنی برنامه ریزی، تدارک، آغاز یا اجرای یک عمل تجاوز کارانه که نقض آشکار منشور ملل متحد محسوب می‌شود. ۲- منظور از «عمل تجاوز کارانه» در چارچوب بند ۱، استفاده یک دولت از نیروهای مسلح است علیه حاکمیت، تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی دولت دیگر، یا به هر شیوه دیگری که با منشور ملل متحد ناسازگار باشد. (سودمندی، ۱۳۹۵) چالش‌هایی که میان اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی و اصلاحیه کامپالا وجود دارد در این خصوص می‌باشد که اصلاحیه کامپالا، تعهدات دول عضو دیوان کیفری بین‌المللی را خیلی تغییر نداده است، به همین دلیل این اصلاحیه، دولت‌های عضو دیوان کیفری بین‌المللی که تمایل ندارند صلاحیت دیوان را در خصوص جنایت تجاوز ببیزینند، فقط کافی است صلاحیت دیوان را در این مورد به صورت رسمی رد کنند و یا می‌توانند اعلام کنند که عدم قبول این اصلاحیه. ذکر این دو مورد تفاوتی ندارد زیرا از



نظر سیاسی این نکته مهم است که آیا دولت عضو دیوان می تواند فقط بر عدم قبول اصلاحیه مربوط به جنایت تجاوز اتکا کند یا ملزم است رسماً اعلام کند که چنین صلاحیتی را نمی پذیرد. در حالت دوم، این دولت تا حدودی در معرض این انتقاد قرار می گیرد که احتمالاً ممکن است مرتکب اعمالی شود که مشمول تعریف تجاوز است. (سودمندی، ۱۳۹۵)

### ۲-۳. چالش های حقوقی

شورای امنیت باید دستورات دیوان کیفری بین المللی حمایت و پیروی کند تا زمانی که شورای امنیت امتناع کند چه کشورهایی که عضو و غیر عضو اساسنامه ی دیوان از دستورات دیوان کیفری بین المللی امتناع ورزند. بنابراین اگر شورای امنیت و دیوان کیفری بین المللی برای کشورهایی که عدم تمکین دارند باید ضمانت اجرایی هایی را مد نظر بگیرند. از ماده ۱۶ سا سنانه این طور برداشت می شود که: الف- تف سیر لفظی ماده ۱۶ سا سنانه دیوان، از جانب شورای امنیت و رعایت دقیق و شرایط تعلیق، در محدود کردن تعلیق رسیدگی در دیوان نقش اساسی دارد. ب- اعتراض دیوان به درخواست تعلیق؛ با پیش بینی حق اعتراض دیوان به درخواست تعلیق از سوی شورای امنیت، آیین نامه دادرسی و ادله و مصوبه قضات دیوان و آیین نامه دیوان، می توان گام مهمی را در راه عدم تعلیق رسیدگی در دیوان برداشت. (براتی، ۱۳۸۶)

هیچ یک از مواد اساسنامه، به شورای امنیت، امکان گسترش صلاحیت دیوان را نمی دهد. و حتی بالعکس این مواد تلویحاً اعلام می دارند که عمل این ارگان سازمان ملل باید از مقررات مندرج در اساسنامه متابعت کند. محدودیت اشراف شورای امنیت در مورد دیوان، به طور مشخص در شروط و قیود بسیار مضیق ماده ۱۶ احراز شده است. که در مورد امکان به تأخیر انداختن تحقیقات و تعقیب می باشد. (رهگشا، ۱۳۹۳) دیوان کیفری بین المللی می تواند هنگامی که موضوعی به طور اتفاقی در برابر آن مطرح گردید، در مورد مسائل مطرح در شورای امنیت یا تصمیمات آن شورا، نظر دهد. این وضعیت زمانی وجود دارد که یکی از دولت های عضو اساسنامه ی دیوان، مسئله ای را براساس صلاحیت اجباری و یا اختیاری به آن مرجع، ارجاع بدهد. در قطعنامه های صادره مجمع دول عضو دیوان نیز به موضوع همکاری توجه شده است. در یکی از قطعنامه های این رکن دیوان مقرر شده است: «همکاری مؤثر به عنوان یک ضرورت برای دیوان در انجام فعالیت های باقی می ماند.» هم چنین دول عضو تشویق می شوند که به حمایت سیاسی و دیپلماتیک خود از دیوان و همکاری با این نهاد ادامه دهند. (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷)

شورای امنیت نیز باید یک عبارت مشابهی را در قطعنامه هایی که صادر می کند بیاورد و از همه دول به نحو جدی درخواست کند که دول با دیوان کیفری بین المللی و دادستان به طور جدی و کامل همکاری و تمکین داشته باشند. نکته قابل توجه در این است که تعهد به همکاری دول غیر عضو با دیوان، طبق ماده ۲۵ منشور ملل متحد می باشد که بدون هر گونه قید و شرطی صورت می گیرد، اما اساسنامه ی دیوان یک معاهده است و تنها به دولت های عضو الزام آور می باشد و نسبت به دولت های غیر عضو تعهدی ندارند که همکاری کنند. شورای امنیت باید طبق فصل هفتم منشور ملل متحد تعهد به همکاری با دیوان را بر تمامی دول چه دولت های عضو و غیر عضو تحمیل کند. در سال ۲۰۰۳، دفتر دادستانی، گزارش غیر رسمی منتشر کرد که به موجب آن شورای امنیت می تواند در وضعیت ارجاع شورای امنیت طبق بند ب ماده ۱۳ اساسنامه ی دیوان به طور گسترده ای اختیار دادستان برای اجبار دولت ها از جمله آن دسته از دولت ها را که عضو اساسنامه نیستند، افزایش دهد. (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷). تصمیم اتحادیه آفریقا برای همکاری نکردن با دیوان در رابطه با بازداشت و تحویل عمرالبشیر، توجه زیادی به ویژه در رابطه با جنبه های سیاسی این تصمیم به خود جلب کرده است. اگرچه تصمیم آفریقا به طوری آشکار سیاسی است، اما راجع به رابطه بین ماده ۹۸ و ماده ۲۷ اساسنامه، به ویژه در وضعیت هایی که توسط شورای امنیت به دیوان ارجاع داده شده است، مطرح می کند. اتحادیه آفریقا معتقد است اساسنامه رم نمی تواند مصونیت سران دولت هایی را که عضو مجمع دول عضو دیوان نیستند، نادیده بگیرد. موضوعی که بدان باید اشاره نمود، این می باشد که بر خلاف دیوان کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق و رواندا که به موجب قطعنامه های شورای امنیت، سازمان ملل تأسیس شد و تمامی دول به همکاری با آن ملزم شدند،



دیوان کیفری بین‌المللی یک معاهده‌ی چند جانبه است که فقط دولت‌های عضو ملزم به همکاری هستند اما از این رو ضمانت اجرای همکاری در خصوص دول عضو و غیر عضو اساساً سنامه باید مد نظر گرفته شود. عدم همکاری دیوان کیفری بین‌المللی باید در حکم نقض یک تعهد بین‌المللی تلقی بشود.

برای ایجاد دیوانی مستقل و مقتدر، ضروری است که در قالب موافقتنامه مورد اشاره یا یک موافقتنامه جهانی دیگر یا اصلاح منشور سازمان ملل متحد یا اصلاح اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی، شورای امنیت به عنوان بازوی اجرایی احکام دیوان تلقی شود. نظر به این که غالباً نقض صلح و امنیت بین‌المللی توأم با ارتکاب جنایات بین‌المللی است و غالباً ارتکاب جنایات بین‌المللی موجب اخلال در صلح و امنیت بین‌المللی می‌شود- این امر در خصوص تجاوز سرزمینی به اوج خود می‌رسد- از این رو، عدم پیش بینی راهکار مناسب می‌تواند منجر به تداخل وظایف و ناکارآمدی دیوان شود و تنظیم روابط باید به گونه‌ای باشد که به استقلال دیوان به عنوان یک مرجع قضایی خللی وارد نکند. (سلیمی، ۱۳۹۳)

مجمع دول عضو دیوان، به منظور تسریع و پیشرفت بیشتر در کار کمیسیون مقدماتی، در سال ۲۰۰۲ کار گروه ویژه‌ای را برای جنایت تجاوز ایجاد نمود. این کار گروه با شرایط برابر به روی دولت‌های عضو و غیر عضو باز بود و نقطه نظرات فعالین جامعه مدنی نیز با استقبال مواجه بود. مذاکرات و یافته‌های کار گروه، شالوده تصمیم‌گیری‌هایی شد که نهایتاً در کامپالا جامعه عمل پوشید. (سلیمی، ۱۳۹۳، ۱۶۷)

جنایات علیه بشریت، جنگی و نسل زدایی می‌تواند منجر به تهدید یا نقض صلح و امنیت بین‌المللی شود، زیرا شورای امنیت سازمان ملل متحد ممکن است قبل از دیوان کیفری بین‌المللی به چنین وضعیت‌هایی رسیدگی کند و شورای امنیت از حیث مسئولیت کیفری افراد به قضیه رسیدگی نمی‌کند، اما ممکن است در حین رسیدگی متوجه ارتکاب جنایات مذکور از سوی افراد بشود و این رسیدگی‌ها را به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع دهد.

با انعقاد پیمان بریان کلوگ تجاوز سرزمینی برای اولین بار در نظام حقوق بین‌المللی ممنوع شد. به موجب این پیمان، اعضا تو سل به جنگ به عنوان راهکار برای حل اختلاف بین‌المللی را محکوم کرده و از تو سل به جنگ به عنوان ابزار سیاست ملی منع شدند. (نژندی منش، حاجی پور، ۱۳۹۹)

به موجب ماده ۱۶ اساسنامه‌ی رم، باید از سوی شورای امنیت و طبق فصل هفتم منشور ملل متحد صادر گردد و از دیوان کیفری بخواهد که تحقیق را تعلیق یا معلق گرداند اما هیچ تحقیق یا تعقیبی طبق اساسنامه نمی‌تواند به مدت ۱۲ ماه شروع و ادامه یابد. طبق این ماده می‌توان ۲ راهکار را ارائه داد و از این ماده این مفهوم برداشت می‌شود که:

۱- زمانی که شورای امنیت دستور تعلیق یک تحقیق را می‌دهد باید به صورت قطعنامه‌ی رسمی اعلام کند و بنابراین هیچ کدام از اعضای شورای امنیت نمی‌توانند خود به خود فعالی دیوان را به صورت معلق در بیاورند.

۲- شورای امنیت زمانی که تصمیم می‌گیرد که تحقیق به صورت تعلیق در بیاید باید بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد باشد یک ابهامی در این جا وجود دارد این می‌باشد که شورای امنیت چندین بار می‌تواند ۱۲ ماه را تمدید کند و نامعلوم می‌باشد. باید یک بازنگری به این دستورات شورای امنیت باشد که مدت تمدید آن مشخص نیست بلکه باید در این ماده ذکر بشود که شورای امنیت می‌تواند دوبار ۱۲ ماه را تمدید کند نه بیشتر از آن. شورای امنیت تاکنون از این اختیار وسیعی که دارد دوبار استفاده کرده است و باعث شده است که به دادستان دیوان دستور بدهد که تحقیق به صورت معلق در بیاید. بازنگری دیگری که می‌توان در ماده‌ی ۱۶ انجام داد این می‌باشد که شورای امنیت بتواند فقط در بعضی از مواردی که خاص می‌باشد که ممکن است دستور دادستان دیوان ناقض صلح و امنیت باشد را شورا آن تحقیق را به صورت تعلیق اعلام کند.

دادستان دیوان کیفری بین‌المللی زمانی که حکم جلب فراملی عمرالبشیر را علنی کرد مشکلاتی را برای دیوان به وجود آورده و عده‌ای مخالف با علنی بودن حکم جلب عمرالبشیر بودند که علنی بودن آن می‌تواند وضعیت سودان را دشوارتر از قبل بکند و کشورهایی که کمک بشر دوستانه به این کشور می‌کردند را با مشکل مواجه کند و دیگر کشورها کمک‌های بشر دوستانه را ارسال نکنند و عده‌ای دیگر موافق هستند که این اقدام دیوان برای برقراری صلح و عدالت است.



طبق بند ۱ ماده ۱۶۷ اساسنامه‌ی رم، دادرسی علنی از حقوق متهم می‌باشد و برای احراز هر اتهامی که متهم انجام داده است این حق را دارد که با رعایت تمام مقررات این اساسنامه به طور علنی مورد محاکمه قرار بگیرد. به علاوه بند ۷ ماده ۶۳ تصریح می‌کند که دادرسی باید به صورت علنی انجام بشود. با وجود این، شعبه بدوی می‌تواند بنا به جهات مذکور در ماده ۶۸ و یا به منظور حفاظت از اطلاعات حساس و محرمانه‌ای که به عنوان دلیل قرار است ارائه شود، دستور انجام مراحل از دادرسی را به صورت غیر علنی صادر کند. (جلالی، زیلابی، ۱۳۹۳)

دولت‌های غیر عضو اساسنامه، از نظر بین‌المللی تعهدی برای همکاری و اجرای حکم جلب و تحویل مظنونان به دیوان ندارند، در بخش دوم قطعنامه ۱۵۹۳ (۲۰۰۵)، شورای امنیت مقرر داشت که براساس این قطعنامه، دولت سودان و همه‌ی طرف‌های درگیر در بحران دارفور باید با دیوان و دادستان همکاری کامل کنند و هرگونه کمک لازم را ارائه دهند. کشورهای عضو، دولت سودان براساس شرایط مقرر در قطعنامه ۱۵۹۳ (۲۰۰۶) شورای امنیت را ملزم به همکاری با دیوان است. (جنت مکان، ۱۳۸۸)

دیوان زمانی می‌تواند در مورد جرم تجاوز اعمال صلاحیت کند که مربوط در مورد تجاوز در یک جلسه مجمع عمومی دولت‌های عضو دیوان کیفری بین‌المللی باشد یا در کنفرانس بازنگری مور تأیید قرار گرفته شده باشد. طبق بند ۵ ماده ۱۲۱ اساسنامه‌ی رم که مقرر شده است: «دیوان تنها در صورتی می‌تواند صلاحیت خود را در خصوص جرم تجاوز اعمال کند که دولت عضو دیوان کیفری بین‌المللی متهم به تجاوز شده است و یا تبعه‌ی آن در سرزمین می‌باشد اگر آن دولت این جرم تجاوز را قبول نداشته باشد دیوان نمی‌تواند اعمال صلاحیت داشته باشد»، این مفهوم منفی این ماده می‌باشد، و مفهوم مثبت آن؛ اساسنامه‌ی دیوان فقط دارای این اثر محدود است که دولت‌های عضو دیوان را که اصلاحیه مربوط به تجاوز را قبول نکنند دقیقاً در وضعیت دولت‌های غیر عضو دیوان قرار می‌دهد. طبق این ماده، دیوان از اعمال صلاحیت نسبت به متهمان جنایت تجاوز در مواردی که دولت متبوع آن‌ها، اصلاحیه مربوط به تجاوز را قبول نکند به طور کامل منع نخواهد شد، زیرا در صورتی که دولت محل وقوع جنایت تجاوز، این اصلاحیه را قبول کند دیوان حق اعمال صلاحیت خواهد داشت. (سودمندی، ۱۳۹۵) ممنوعیت جنگ در منشور ملل متحد ذکر شده است و عدم تردید در مورد ممنوعیت جنایت تجاوز در نظام بین‌المللی، بعضی از دول هنوز نتوانسته‌اند که آماده پذیرش مسئولیت کیفری فردی برای این جنایت بشوند. به این علت می‌باشد که جرم تجاوز در اصلاحیه کامپالا محدود تعریف شده است. برای این که تمام مشکلات و ابهاماتی که در مورد همکاری دیوان کیفری بین‌المللی و شورای امنیت وجود دارد باید راهکارهایی را برای رفع این ابهامات ارائه همانند این که: عده‌ای اعتقاد دارند که با توجه به ماده ۱۱۹ اساسنامه‌ی رم که در مورد (صلاحیت در تعیین صلاحیت) درباره‌ی تأیید دیوان می‌باشد، می‌توان گفت: «این تصمیم را خود دادستان یا دیوان کیفری بگیرد که صلاحیت رسیدگی در مورد جنایات دارد یا خیر. طبق بند ۲ ماده ۱۱۹ اساسنامه‌ی رم: «هر اختلافی که بین دو یا چند دولت عضو دیوان کیفری در مورد صلاحیت و یا اجرای اساسنامه می‌افتد و نمی‌توانند مذاکره کنند و حل و فصل صورت نمی‌گیرد می‌توانند به مجمع دیوان ارجاع بدهند و مجمع می‌تواند این اختلافات را بر طرف کند.» (ماده ۱۱۹ اساسنامه‌ی رم)

راهکار دیگری اصلاح ماده ۱۲۱ اساسنامه‌ی رم می‌باشد که با تشکیل جلسات مجمع یا با تشکیل یک کنفرانس بازنگری، این ماده را اصلاح کنند. اگر چنین اصلاحیه‌ای پذیرفته شود و حتی پیش از تحقق شرایط لازم الاجرا شدن اصلاحیه‌های کامپالا نیز الزام آور شود، به نظر نمی‌رسد اثری بر اصلاحیه‌های کامپالا داشته باشد، زیرا اصلاحیه ماده ۱۲۱ نمی‌تواند عطف به ماسبق شود و بر اصلاحیه‌های کامپالا اثر گذارد. برای عملی شدن این راه حل، مجمع دولت‌های عضو دیوان یا کنفرانس بازنگری باید ضمن اصلاح ماده ۱۲۱، اصلاحیه کامپالا را ملغی کند و آن گاه بعد از لازم الاجرا شدن اصلاحیه مربوط به این ماده، اصلاحیه‌های مربوط به جنایت تجاوز را براساس این آیین جدید، مورد بررسی و پذیرش قرار دهد. البته اگر ماده ۱۲۱ اصلاح شده، آیینی را برای اصلاح اساسنامه پیش بینی کند که شبیه آیین مندرج در اصلاحیه‌های کامپالا باشد، می‌توان این فرآیند را به سرعت و با سهولت بیشتر انجام داد، زیرا بیش دو سوم دولت‌های عضو دیوان کیفری بین‌المللی که اصلاحیه‌های کامپالا را پذیرفته‌اند قاعداً با این آیین موافق خواهند بود. (سودمندی، ۱۳۹۵)



بیانیه‌ای در کامپالا بیان شد که دولت‌ها باید پیش‌بینی‌های لازم مقرراتی را در سیستم‌های حقوقی و قضایی خود جهت اجرای مناسب و کامل تعهد به همکاری انجام دهند. اجرای عدالت کیفری بین‌المللی کاملاً وابسته به استقلال و بی‌طرفی دادرسان است. از این جهت ضروری است دادرسی قضایی بدون رعایت اصل استقلال و بی‌طرفی قاضی، دادرسی واقعی نیست و حاصلی جز بی‌اعتباری و هتک حرمت دادرسی قضایی بین‌المللی به بار نخواهد آورد. معیارهای محاکمه عادلانه از لحظه‌ای که تعقیب علیه متهم شروع می‌شود تا زمانی که محاکمات، از جمله محاکمات استینافی کامل شده باشند، باید محترم شمرده شود. یکی از بنیادین‌ترین این معیارها که زیربنای حق محاکمه عادلانه است و معمولاً در مرحله دادرسی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد حق بهره‌مندی از دادرسی توسط یک دادگاه مستقل و بی‌طرف است. از آنجا تنها یک نهاد قضایی مستقل و بی‌طرف قادر است عدالتی بی‌طرفانه بر پایه‌های قانون استوار سازد. (جلالی، زیلابی، ۱۳۹۳)

به موجب ماده ۱۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی: الف- دیوان تنها نسبت به جرائمی صلاحیت دارد که بعد از لازم الاجرا شدن این اساسنامه ارتکاب یافته باشند، ب- اگر دولتی پس از لازم الاجرا شدن این اساسنامه عضو آن شود، دیوان فقط نسبت به جرائمی اعمال صلاحیت می‌کند که پس از لازم الاجرا شدن اساسنامه در مورد آن دولت ارتکاب یافته باشد، مگر آن که آن دولت اعلامیه‌ای به موجب بند ۳ ماده ۱۲ داده باشد. (جلالی، زیلابی، ۱۳۹۳)

دیوان کیفری بین‌المللی توسط توافق جمعی از دول به وجود آمده است و دولت‌های عضو در شکل‌گیری، اداره‌ی دیوان، از جمله امور اداری، نظارت کلی بر ماموران دیوان کیفری، بودجه، افزایش قضات و... بر عهده مجمع دول عضو می‌باشد. مجمع دول عضو متشکل از نمایندگان سیاسی و دیپلماتیک‌های کشورهای عضو است. به نظر کشور آمریکا، دیوان کیفری بین‌المللی اگر بتواند مستقل از شورای امنیت به جرائم مهم بین‌المللی و به خصوص جرم تجاوز رسیدگی کند، مقررات منشور ملل متحد را نادیده گرفته است و دیوان باید از تمام دستورات شورای امنیت تبعیت کند. وقتی دولت‌ها به تنهایی اختیار ارجاع قضیه یا پرونده‌ای را به دیوان داشته باشند دلیلی ندارد که به طور جمعی نتوانند این کار را انجام دهند. دلیل دیگر آن که اگر اختیار ارجاع موضوع به دیوان، به شورای امنیت نمی‌شود، این شورا می‌توانست در آینده و در صورت ضرورت نسبت به تأسیس دیوان‌های ویژه مانند یوگسلاوی و رواندا اقدام کند. به علاوه اعطای این اختیار به شورای امنیت بر اختیارات موجود شورای امنیت بر اساس فصل هفتم منشور چیزی اضافه نمی‌کند و فقط به شورای امنیت این امکان را می‌دهد که از امکانات موجود استفاده کند. به موجب بند ۳ ماده ۱۵ نیز دادستان به این نتیجه برسد که مبنای مستدلی برای تحقیق وجود دارد، باید در خواستی را به ضمیمه کلیه اسناد و مدارک تأییدکننده‌ای که جمع‌آوری کرده است، برای گرفتن مجوز تحقیق به شعبه مقدماتی تسلیم کند. اما این حکم می‌تواند منجر به فشار سیاسی ماهوی بر دیوان شود؛ زیرا دولت‌ها و شورای امنیت به هر حال می‌توانند به جای دلایل قضایی برای ارجاع و وضعیت به دیوان، دلایل سیاسی داشته باشند؛ ولی چنین ترسی بی‌مورد است، زیرا دادستان زمانی که پرونده ارجاعی را دریافت می‌کند به طور خودکار تعقیب را شروع نمی‌کند. (جلالی، زیلابی، ۱۳۹۳)

طبق ماده ۱۶ اساسنامه‌ی رم، دیوان استقلال ندارد دستور شورای امنیت را رد کند، شورای امنیت دستور می‌دهد تحقیقات انجام شده باید تعلیق یا معلق شود، و این ماده چنین اختیاری را به دیوان کیفری بین‌المللی نداده است. ماده‌ی ۱۶ اختیار اقدامات پیشگیرانه زیادی را به شورای امنیت نداده است چون شروع تحقیقات، اولین مرحله انجام رسیدگی به وسیله دادستان نیست. قدرتی که شورای امنیت در جلوگیری از شروع تحقیق طبق این ماده فقط می‌تواند در تحقیق‌های صورت گرفته به وسیله دادستان بعد از ارجاع شعبه مقدماتی را شامل می‌شود. شورای امنیت بسیاری از نهادهای بین‌المللی، اشخاص و متخصصین حقوق بین‌الملل به این نتیجه رسیده که صرفاً با تلاش بر خاموش کردن شعله‌های جنگ نمی‌توان به صلح واقعی رسید، بلکه باید رویکردی را اتخاذ کرد تا زمینه‌های بروز جنگ از بین برود و این امر تحقق نمی‌یابد، مگر با تلاش‌های بسیار برای اجرای عدالت. حقوق تعهدات دولت‌ها در همکاری با محاکم کیفری بین‌المللی به دو عامل «منشأ حقوقی تشکیل محاکم» و «رابطه حقوقی دولت‌ها با محاکم» بستگی دارد.



ماده‌ی الف (۱) ۱۷ اساسنامه‌ی رم: «اساسنامه تحقیق یا تعقیب دعوی توسط دولتی که بر آن صلاحیت دارد. را از عوامل عدم قابلیت پذیرش دعوی در دیوان قلمداد کرده است». (ماده ۱۷ اساسنامه رم) ماده ۱۸ اساسنامه‌ی رم: «دادستان باید تصمیم خود مبنی بر شروع تحقیق را به کلیه دولت‌های عضو و دولت‌هایی که با توجه به اطلاعات موجود، معمولاً بر جنایات مورد نظر اعمال صلاحیت می‌نمایند؛ اعلام کند». (ماده ۱۸ اساسنامه رم) یکی از اقداماتی که باید دولت‌ها انجام بدهند مقابله با جنایات بین‌المللی، جرم انگاری چنین نقض‌هایی در قوانین داخلی آن دولت‌ها نیز اشاره بشود، زیرا یکی از دلایل مهم کوتاهی و عدم رغبت دادگاه‌های ملی در رسیدگی به این جنایات، نقض قوانین و مقررات است. برای جرم انگاری این جنایات باید موضوع اصل صلاحیت جهانی و پذیرش اختیار و دولت‌ها در انتخاب شیوه‌های مناسب با شرایط خاص کشورشان و تعریف جنایات عمده و مهم که به عنوان جرائم فراسرزمینی و قوانین ملی یاد می‌شود، قانونگذاران آن دولت‌ها باید تضمین کنند که این جنایات مطابق با حقوق بین‌الملل و اسناد بین‌المللی باشد.

رویه عملی دولت‌ها در جرم انگاری جنایات بین‌المللی، دلالت بر این دارد که آن‌ها در وضع مقرراتی که آن‌ها را به اعمال حقوق بین‌الملل کیفری در حقوق جنایات مهم بین‌المللی توانا سازد. دیوان مطابق مواد ۱۷ و ۱۹ اساسنامه‌ی رم دارای این اختیار می‌باشد که صلاحیت خود و قابل پذیرش بودن دعوی را تشخیص دهد. طبق بند ۱ ماده ۱۹: «دیوان باید اطمینان حاصل کند، نسبت به موضوعی که به او عرضه شده است، صلاحیت دارد. دیوان می‌تواند رأساً نسبت به قابل پذیرش بودن موضوعی بر طبق ماده‌ی ۱۷ تصمیم بگیرد.» به همین جهت دیوان در احراز «عدم تمایل» یا «بی‌توانایی» دولت، از آزادی عمل کافی برخوردار است. (مواد ۱۷ و ۱۹ اساسنامه رم) دولت‌هایی که به عضویت اساسنامه‌ی رم در آمده‌اند به طور ضمنی اراده کرده‌اند که صلاحیت کیفری آن کشور را بر جنایات مشمول صلاحیت دیوان تسری دهند تا بتوانند در آینده به اسناد تکمیلی بودن دیوان کیفری بین‌المللی به تعقیب و مجازات جنایاتی که ذکر کرده است بپردازد. وظیفه دیوان کیفری بین‌المللی این می‌باشد که اساسنامه را در راستای حقوق بشر شناخته شده در سطح بین‌المللی اعمال کند و برای آن می‌تواند از اعمال برخی عفوها ممانعت به عمل آورد. موانع قضایی، قانونی و اجرایی پیش روی دادگاه‌های ملی، موجب شده که صلاحیت جهانی، چندان با استقبال دولت‌ها مواجه نشود و بنابراین واقعیت، اعمال این اصل، تنها و بهترین راهکار برای مقابله با جنایات بین‌المللی قلمداد نمی‌گردد و قطعاً اقدام جمعی تعداد زیادی از دولت‌ها برای تدوین و تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در این زمینه تأثیر به‌سزایی خواهد داشت.

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، اولویت در رسیدگی به جنایات مشمول صلاحیت دیوان به دادگاه‌های ملی اختصاص دارد و هدف از این اساسنامه به دادگاه‌های ملی به نظرمی رسد که فعال بود و ارتقای نظام‌های ملی و هماهنگی آن‌ها باشد. اساسنامه‌ی رم و دیگر قوانین و مقررات حاکم بر دیوان کیفری بین‌المللی با در نظر گرفتن اصول و معیارهای تأمین‌کننده استقلال قضایی تدوین یافته باشند. این مقررات سطح بالایی از حمایت، اصل استقلال قضایی را برای دیوان کیفری بین‌المللی و قضات آن مقرر داشته‌اند. دیوان کیفری بین‌المللی برای رسیدن به این استقلال کامل فاصله بسیاری دارد. مقررات اساسنامه عطف به ما سبق ندارد و برای تمامی کسانی که مشمول صلاحیت آن باشند به صورت یکسان اعمال خواهند شد. برای تأمین کامل استقلال قضایی و ایجاد زیر بنای مناسب برای برپایی دادرسی‌های عادلانه باید ماده‌ی ۱۲ اساسنامه‌ی رم از طریق اصلاح اساسنامه برای انجام درخواست تعلیق و تعقیب از طرف شورای امنیت از دیوان کیفری بین‌المللی، محدودیت‌هایی را اعمال کنند.

### ۳-۳. چالش‌های ساختاری

دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان مستقل بین‌المللی، با سازمان ملل متحد مرتبط است، ماده‌ی ۱۱۲ اساسنامه دیوان اشعار می‌دارد: «دیوان با سازمان ملل متحد به موجب توافقنامه‌ای که باید به تصویب مجمع دولت‌های عضو این اساسنامه و سپس به امضای رئیس دیوان از طرف مجمع برسد، رابطه برقرار خواهد کرد». در چالش ساختاری، ابزاری در دست شورای امنیت وجود دارد که موضوع در چالش ساختاری فعلی بسیار مبهم و نامشخص می‌باشد و بهتر است در این خصوص صلاحیه‌ای صورت



بگیرد. اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی نشان می‌دهد که این نهاد قضایی جدید، تحولی نوین در عرصه تکامل حقوق بین‌الملل، به ویژه در زمینه حقوق بشر و ستانه ایجاد نموده است. نتیجه منطقی این تحول اساسی و تاریخی، برقراری نوعی ارتباط عملگرایانه بین اعلامیه‌ها، میثاق‌ها و معاهدات حقوق بشر و ستانه به عنوان یک مجموعه بدون ضمانت اجرا با سازوکارهای اجرایی و قضایی دیوان می‌باشد؛ ویژگی قضایی می‌بخشد. در واقع دیوان در اساسنامه خود به مفهوم و محتوای حقوق بشر و ستانه عینیت بخشیده و کمبود سایر نهادهای حقوق بشر و ستانه را در حمایت از این حقوق جبران کرده است. دیوان این ظرفیت را دارد که به عنوان یک نهاد بشر دوستانه، کارکردش را روی نگرانی‌های بشری متمرکز نماید. چرا که وظیفه عام پیبگرد و مجازات مرتکبان جنایات بین‌المللی عمدتاً برگرفته از تعهدات حقوق بشر و ستانه می‌باشد. (حسین فروغی نیا، ۱۳۹۸)

ماده ۸ اساسنامه دیوان که به جنایات جنگی اختصاص یافته است متضمن چهار گروه از این جنایات است که دو قسم از آن مربوط به مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و دو دسته دیگر متعلق به مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی است. جنایاتی که به موجب ماده مزبور به عنوان موارد نقض فاحش شمرده شده است جرائم مندرج در کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل الحاقی اول است. موارد نقض فاحش در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، قلمرو محدودی داشته که در پروتکل اول توسعه می‌یابند. البته اساسنامه دیوان، برخی از این موارد نقض فاحش را جرم انگاری نموده است. که این امر محدودیتی در تضمین قواعد بشر دوستانه از طریق دیوان تلقی می‌شود. (حسین فروغی نیا، ۱۳۹۸) دادگاه کیفری بین‌المللی دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی است که جزء نهادهای رسمی سازمان ملل متحد نمی‌باشد. مهم‌ترین ابعاد هر سازمانی ساختار و سازمان تشکیلاتی آن نهاد است و لذا بدون شناخت و آشنایی از سازمان و تشکیلات اداری آن نمی‌توان به بررسی جامع قائل شد. دیوان کیفری بین‌المللی نیز همانند دادگاه‌های دیگر فقط به جرائم اشخاص حقیقی رسیدگی می‌کند و همواره سعی دارد تا با تبیین دقیق فرآیند پذیرش دعوا، رابطه‌ای صحیح و در عین حال غیر متحرک بین دادگاه ملی و بین‌المللی تنظیم نماید. یکی از عوامل حمایت وسیع جهانی از آن است. شورای امنیت یکی از نهادهایی است که بایستی در خدمت دیوان کیفری بین‌المللی بوده و از ارائه هرگونه حمایت دریغ ننماید. دیوان کیفری بین‌المللی یک سازمان بین‌المللی است و دیوان یک نهاد دائمی است. رسیدگی در دیوان کیفری بین‌المللی اگر دولت صالح در رسیدگی به یک موضوع باشد یا قبلاً قرار منع پیگرد توسط دولت صادر گردیده باشد و یا اختتام رسیدگی قضیه، اعتبار امر مختومه را بیابد دیگر دیوان صلاحیت رسیدگی را نخواهد داشت.

### بحث و نتیجه‌گیری

پرونده سودان اولین پرونده‌ای بود که از سوی شورای امنیت به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع شده است که در کشور سودان در سال ۲۰۰۳ بین دو قبیله اختلافات قومی رخ داده است و وضعیتی بحرانی به وجود آورد و شورای امنیت قطعنامه‌های بسیاری در مورد وضعیت این کشور صادر کرده است. رئیس‌جمهور آن کشور عمر البشیر نه تنها این اختلافات را برطرف نکرد بلکه برای سرکوب کردن آن دست به کشته شدن افراد آن کشور زد و شورای امنیت عمر البشیر را به ژنوسید، جرائم جنگی، جرائم تجاوز و جرائم علیه بشریت متهم کرده است، عمر البشیر ۳۰ سال حکومت کرد و از قدرت خود کنار رفت. حتی با کناره گیری عمر البشیر هم چنان سودان وضعیت بحرانی دارد. دیوان کیفری بین‌المللی حکم جلب عمر البشیر را صادر کرده است. مهم‌ترین قطعنامه‌ای که شورای امنیت در مورد سودان ارائه داده است قطعنامه ۱۵۹۳ در سال ۲۰۰۵ است که وضعیت سودان را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی بیان کرده است و شورای امنیت طبق بند ب ماده ۱۳ اساسنامه‌ی رم این پرونده را به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع داده است. در سال ۲۰۱۱ شورای امنیت قطعنامه‌ای به شماره ۱۹۷۰ در مورد کشور لیبی صادر کرده است. در کشور لیبی معمر قذافی رئیس‌جمهور آن کشور، دست به کشتار و شکنجه و تجاوز مردم آن کشور زده است و وضعیتی بحرانی آمیز به وجود آورده و شورای امنیت این پرونده را به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع داده است. با ارجاع وضعیت سودان از سوی شورای امنیت به دیوان کیفری بین‌المللی، دیوان حکم جلب عمر البشیر را صادر کرده است و این

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجان شرقی، مراغه، بلوار شهید درخشانی، مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۲۱۳۷۲۵۵۸۸۳ - ۰۲۱۳۷۲۵۲۵۰۶-۹ داخلی ۲۳۶ و ۲۳۲



حکم جلب چالش‌هایی را به وجود آورده است. در سال ۲۰۰۵ تحقیقات آغاز شد و عده‌ای مخالف حکم جلب عمر البشیر بودند چون عقیده داشتند رئیس‌جمهور در حال خدمت نباید دستگیر شود و اقتدار آن کشور را زیر سؤال می‌برد. سودان یک کشور غیر عضو اساسنامه می‌باشد. کشورهای که عضو اساسنامه می‌باشند حکم جلب عمر البشیر را نادیده گرفتند و اجازه دادند که عمر البشیر وارد کشورشان بشود همانند چاد، کنیا و ... و حتی کشورهایی که عضو اساسنامه هم نبودند همانند ایران، اجازه دادند که عمر البشیر به راحتی وارد کشورشان بشود. دولت‌هایی که عضو اساسنامه‌ی دیوان می‌باشند باید در تحقیق، تعقیب و تعلیق پرونده‌هایی که پیش روی دیوان است را همکاری کنند. شورای امنیت با دشواری‌هایی در تحقیقات مواجه است، از جمله برگزاری جلسات محاکمات عادلانه، تأمین سرمایه و حتی جلب همکاری، احکامی برای دستگیری مجرمین و ... می‌توان راهکارهای حقوقی‌ای را برای این چالش‌ها مد نظر گرفت که دیگر این چالش‌ها وجود نداشته باشد. می‌توان برای کشورهای که به دستورات دیوان کیفری بین‌المللی عمل نمی‌کنند ضمانت‌اجراهایی را مد نظر گرفت تا دیگر آن‌ها سرپیچی نکنند مثل: تحریم اقتصادی، سیاسی و کالا. در نهایت متوجه شدیم که شورای امنیت و کشورهای که در اتحادیه آفریقا هستند از دستورات دادستان دیوان کیفری بین‌المللی تمکین نمی‌کنند و شورای امنیت با دیوان کیفری بین‌المللی یک رابطه‌ی عر ضی نیست بلکه یک رابطه‌ی طولی است و شورای امنیت برای خودش این حق را قائل می‌شود که در کارهای دادستان دیوان دخالت کند و نگذارد دیوان کارهای خودش را انجام بدهد.

با توجه به مطالباتی که در این پژوهش انجام داده‌ایم، به نظر می‌رسد که اساسنامه‌ی رم یک ایراد فنی دارد و این ایراد در ماده‌ی ۱۶ اساسنامه می‌باشد. زمانی که دادستان دیوان کیفری بین‌المللی بعد از چندین بار ارزیابی‌های اولیه به این باورمندی‌ای می‌رسد که جنایاتی همچون نسل‌کشی، جرائم جنگی، جرائم علیه بشریت، جرائم تجاوز؛ در یک گوشه‌ای از این دنیا رخ داده است چرا باید این حق را برای شورای امنیت قائل بشود که بخواهد درخواست دیوان کیفری بین‌المللی را وتو کند. بنابراین؛ پیشنهاد ما در این مورد این است که ماده‌ی ۱۶ اساسنامه‌ی رم باید به گونه دیگری تحریر بشود. در ماده‌ی ۱۶ اساسنامه‌ی رم مقرر شده است: «شورای امنیت حق تعلیق شروع یا ادامه یک تحقیق و تعقیب را در دیوان دارا می‌باشد.» این ماده بحث‌های بسیاری دارد و بسیاری از کشورها مخالف آن هستند؛ چون اگر شورای امنیت به موجب منشور ملل متحد مسئولیت اصلی آن حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد چرا باید در کشوری که جرائم بین‌المللی اتفاق افتاده است را شورای امنیت به تعلیق و معلق در بیاورد و چرا از حق وتو برخوردار است. پیشنهاد در این است که در روند رسیدگی دیوان کیفری بین‌المللی در مورد تحقیقات نباید شورای امنیت دخالت کند و این دخالت موجب می‌شود که استقلال قضایی دیوان از بین برود و دیگر کشورها به دستورات دیوان کیفری بین‌المللی تمکین نکنند، دخالت‌های شورای امنیت باید تا حدودی باشد که صلح و امنیت بین‌المللی به خطر نیفتد، و یا این که شورای امنیت می‌تواند یک قضیه‌ای را معلق اعلام کند در صورتی که رسیدگی دیوان کیفری تهدیدی علیه صلح و امنیت تلقی شده باشد و برای رفع این تهدیدی علیه صلح، شورای امنیت این قضیه را به تعلیق در می‌آورد. در ماده‌ی ۱۶ اساسنامه رم ذکر شده است که شورای امنیت می‌تواند به مدت ۱۲ ماه پرونده را تعلیق کند و دوباره بعد از ۱۲ ماه تجدید کند اما این توقف رسیدگی نباید بیشتر از ۱۲ ماه باشد و شورای امنیت می‌تواند این تعلیق را کمتر از ۱۲ ماه اعلام کند و دوباره آن را تجدید نکند.

چالش‌های بسیاری بین شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی وجود دارد، دیوان کیفری بین‌المللی نهاد قضایی است و شورای امنیت نهاد سیاسی است که به عنوان چالش سیاسی یاد می‌شود. شورای امنیت بر اساس منافع و مصالح خودش، پرونده‌ای را به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع می‌دهد و آن را تعلیق اعلام می‌کند، که بهتر است یک اصلاحیه‌ای در این زمینه در اساسنامه‌ی رم صورت بگیرد.

در این جا پیشنهاد تقنینی و اجرایی وجود دارد:

اجرای تقنینی: ماده‌ی ۱۶ اساسنامه‌ی رم باید تغییر یابد و تمامی کشورها اعم عضو و غیر عضو باید تمکین کنند، شورای امنیت باید دخالت‌هایش را در مورد تعلیق کمتر کند و برای مدت ۱۲ ماه و تجدید آن هم کمتر کند و حق وتو دیگر وجود





نداشته باشد، شورای امنیت باید دستورات دادستان دیوان کیفری بین‌المللی را حمایت کند. یک جرم انگاری در مورد جنایات باید مدنظر گرفته شود و این امر نه تنها در رابطه با دولت‌های عضو اساسنامه، بلکه باید حتی در مورد دولت‌های غیر عضو اساسنامه نیز باشد.

ابزاری در دست شورای امنیت است که مبهم و نامعلوم می‌باشد بهتر است یک اصلاحیه‌ای در این خصوص صورت بگیرد که دیوان کیفری بین‌المللی زیر مجموعه‌ی یکی از ارکان فرعی شورای امنیت بشود و یا این که یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد بشود تا دیگر در این خصوص ابهامی وجود نداشته باشد.

پیشنهاد اجرایی: ضابط کشورها باید از دادستان دیوان کیفری حمایت کنند که وقتی حکم جلب فراملی را صادر می‌کند همه‌ی کشورها آن را اجرا کنند، همانند عمرالبشیر، که به راحتی به کشورهایی که عضو اساسنامه‌ی رم هستند سفر کرد (چاد و کنیا و...) کشورهایی که عضو اساسنامه‌ی دیوان نیستند همانند ایران که سفر می‌کند و آن کشورها به حکم جلب فراملی‌ای که دیوان صادر کرده است تمکین نمی‌کنند. چرا هیچ کشوری به دستورات دادستان دیوان اهمیتی قائل نمی‌شوند، باید به دادستان دیوان کیفری بین‌المللی قدرت اجرایی داد، این قدرت اجرایی را شورای امنیت باید بدهد که اگر دادستان حکم جلبی را صادر می‌کند باید شورای امنیت از آن دستور پیروی و تمکین کند تا دیگر کشورها هم پیروی کنند و باید در اساسنامه‌ی رم ذکر شود که دادستان، دستوری را صادر می‌کند تمامی اعضای که عضو و غیر عضو اساسنامه هستند تمکین نکنند ضمانت اجرایی را باید مد نظر گرفت مثل تحریم‌های اقتصادی، تحریم یا مصادره‌ی اموال یا کالا، تحریم سیاسی. اگرچه چنین مجازاتی تا حدی مطلوب به نظر می‌رسد اما عواقبی هم دارد که انسان‌های بی‌گناه و مظلوم نیز مجبور هستند بخاطر کشورشان این تحریم‌ها را تحمل کنند.

## منابع

۱. براتی، ش. (۱۳۸۲). *صلاحیت شورای امنیت در ارتباط با دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)*. پژوهش حقوق و سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشکده علامه طباطبایی، دوره پنجم، شماره ۹، صفحات ۱۶۰-۱۲۹.
۲. جلالی، م.، زیلابی، س. (۱۳۹۳). *اصل استقلال قضایی در دیوان بین‌المللی کیفری*. پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۸، شماره ۲، صفحات ۴۷-۲۳.
۳. جناب زاده، ع. ا. (۱۳۹۷). *بایدها و نبایدهای ارتباط میان شورای امنیت و دیوان بین‌المللی کیفری، شورا و دادگاه: بهبود حمایت شورای امنیت از دیوان کیفری بین‌المللی*.
۴. جنت مکان، ح. (۱۳۸۸). *ارزیابی احتمال تعلیق وضعیت دارفور سودان از سوی شورای امنیت*. مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، سال بیست و ششم، شماره ۴۱، صفحات ۱۱۰-۹۱.
۵. رمضان قوام آبادی، م. ح.، بهمئی، م. (۱۳۹۶). *تحقق عدالت کیفری بین‌المللی در آفریقا؛ موانع و راهکارها*. فصلنامه‌ی مطالعات حقوق عمومی، دوره‌ی ۴۷، شماره‌ی ۱، صفحات ۲۶-۱.
۶. رهگشا، ا. (۱۳۹۳). *رابطه حقوقی دیوان کیفری بین‌المللی با شورای امنیت سازمان ملل متحد*. تهران. نشر مجمع علمی و فرهنگی مجد، صفحات ۲۳۹-۴۷.
۷. سلیمی، ص. (۱۳۹۳). *ارتباط شورای امنیت و دیوان بین‌المللی کیفری در پرتو کنفرانس بازننگری ۲۰۱۰*. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال شانزدهم، شماره ۴۳، صفحات ۱۸۴-۱۶۳.
۸. سودمندی، ع. م. (۱۳۹۰). *چالش‌های حقوقی گسترش صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی به جنایت تجاوز*. پژوهش‌های حقوقی تطبیقی، دوره ۲۰، شماره ۱، صفحات ۱۴۹-۱۲۷.
۹. صالحی، ج. (۱۳۹۲). *قطعنامه ۱۵۹۳ شورای امنیت در الزام دولت‌ها به همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی*. فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، پیاپی ۱۶، صفحات ۱۴-۱.



۱۰. صالحی، ج. (۱۳۹۶). چالش‌های دیوان کیفری بین‌المللی در پیگیری پرونده رئیس‌جمهور سودان: از مخالفت اتحادیه آفریقا تا عدم همکاری کشورهای عضو اتحادیه. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال نوزدهم، شماره ۵۷، صفحات ۸۹-۶۹.
۱۱. صالحی، ج. (۱۳۹۹). نقدی بر تقابل اتحادیه‌ی آفریقا و دولت‌های عضو وی با دیوان کیفری و تأثیر آن بر رویه‌ی قضایی بین‌المللی. فصلنامه‌ی مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۰، شماره‌ی ۲، صفحات ۷۹۳-۸۰۷.
۱۲. عبدالملکی، م.، راعی دهقی، م.، محمودی، ا.، آرش پور، ع. ر. (۱۳۹۸). قاعده‌ی عرفی م صونیت سران دولت‌ها: ارزیابی ماده‌ی ۲۷ / سا سننامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی در پرتو قضیه‌ی سودان. فصلنامه‌ی مطالعات حقوق عمومی، دوره‌ی ۴، صفحات ۱۳۰۹-۱۳۲۷.
۱۳. فروغی نیا، ح. (۱۳۹۸). موانع و چالش‌های اجرایی دیوان کیفری بین‌المللی در تقویت ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل بشر دوستانه. فصلنامه‌ی علمی پژوهشی تعالی حقوق، بهار ۱۳۹۸، شماره سوم، صفحات ۷۴-۳۷.
۱۴. موسوی، س. ف. ا.، بذار، و. (۱۳۹۵). نظارت قضایی محاکم بین‌المللی بر شورای امنیت سازمان ملل متحد. مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۴، صفحات ۹۰-۵۹.
۱۵. موسوی، س. ف. ا.، حکمت آراء، ر.، محمدی، ع. (۱۳۹۷). نظام همکاری با دیوان بین‌المللی کیفری در چارچوب قطعنامه‌های ارجاعی شورای امنیت (با نگاهی به وضعیت سودان و لیبی). مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره دهم، شماره ۲، صفحات ۲۶۹-۲۴۱.
۱۶. مولایی، ح.، صالحی، ج. (۱۳۹۵). م صونیت رئیس دولت در چارچوب الزامات / سا سننامه دیوان کیفری بین‌المللی قطعنامه شورای امنیت و عرف بین‌المللی. فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، سال ششم، شماره ۲۵، صفحات ۱۴۵-۱۲۷.
۱۷. نژندی منش، ه. ا.، حاجی پور، ز. (۱۳۹۹). چالش‌های فراوان دیوان بین‌المللی کیفری در رسیدگی به جنایات تجاوز سرزمینی. فصلنامه حقوق بین‌الملل کیفری، شماره اول، صفحات ۷۱-۴۹.
۱۸. یزدانی، ع. ا.، آقا محمدی، ز.، فلاحی، ا. (۱۳۹۵). ارزیابی عملکرد شورای امنیت سازمان ملل در عملیات حفظ صلح در آفریقا، بررسی تطبیقی سودان جنوبی، دارفور و ابیه. پژوهش نامه‌ی ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ۵، شماره ۱، صفحات ۱۵۶-۱۲۸.
19. Rome Statute of the International Criminal Court
20. Resolution 1970 (2011)
21. Resolution 1593 (2005)
22. TWENTY-FIRST REPORT OF THE PROSECUTOR OF THE INTERNATIONAL CRIMINAL COURT TO THE UN SECURITY COUNCIL PURSUANT TO UNSCR 1593(2005)



## Challenges & Gaps of the Security Council with the International Criminal Court Against Human Rights Violators in the Field of Health

**Peyman Narimanzadeh Salemi**

M.A Student in Criminal Law & Criminology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran  
(Corresponding Author)  
[peyman2241@gmail.com](mailto:peyman2241@gmail.com)

### Abstract

In the spring of 2005, the UN Security Council adopted Resolution 1593, which referred the situation in Darfur (Sudan) to the Prosecutor of the International Criminal Court and international arrest warrant of the international criminal court for the president of this country has brought challenges because some countries have refused the court's orders, and now Omar al Bashir has been ousted in a military coup. This study addresses the challenges of cooperation between the UN Security Council and the International Criminal Court in combating human rights abuses, with a focus on the Darfur case in Sudan. The research method is descriptive-analytical and based on library studies with note taking. Findings show that the principle of sovereignty of states continues to affect the international litigation process and until the cooperation of international political and judicial authorities does not established in a favorable manner we cannot come close to ending the ideal of impunity for international crimes.

**Keywords:** The Case of Darfur Sudan, UN Security Council, International Criminal Court, International